پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

پارسه یا تخت جمشید ، غنی ترین شهر زیر آفتاب(این نوشتار را از دست ندهید)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۳ دی ۱۳۹۲ · ۱۰ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

پارسه یا تخت جمشید ، گوهر معماری جهان باستان. اینجا روزی غنی ترین شهر زیر آفتاب بوده است. ولی آتش سوزی مهیب اسکندر ، زمین لرزه های مکرر ، باد و باران و زمان در گذر ، عظمت و شکوه دیرین آن را از بین برده است. با این حال امروز با استفاده از نظریات جدید باستان شناسی و بکارگیری فن آوری نوین و نیروی تخیل شرایط مناسبی فراهم شده است تا بتوانیم جلوه ای از شکوه و زیبایی آن را بازآفرینی کنیم. بدین ترتیب شاید بتوان فهمید که چرا پارسه روزگاری غنی ترین شهر زیر آفتاب بوده است. ایران هخامنشی جایگاه مهمی در میان

پارسیان دژ / کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

پارسه یا تخت جمشید ، گوهر معماری جهان باستان.

اینجا روزی غنی ترین شهر زیر آفتاب بوده است. ولی آتش سوزی مهیب اسکندر ، زمین لرزه های مکرر ، باد و باران و زمان در گذر ، عظمت و شکوه دیرین آن را از بین برده است. با این حال امروز با استفاده از نظریات جدید باستان شناسی و بکارگیری فن آوری نوین و نیروی تخیل شرایط مناسبی فراهم شده است تا بتوانیم جلوه ای از شکوه و زیبایی آن را بازآفرینی کنیم. بدین ترتیب شاید بتوان فهمید که چرا پارسه روزگاری غنی ترین شهر زیر آفتاب بوده است. ایران هخامنشی جایگاه مهمی در میان تمدن های بزرگ دنیای باستان دارد. دویست سال پیش از اینکه اسکندر پلید چشم به جهان بگشاید ، ایرانیان بزرگترین امپراطوری جهان آن زمان را برپا کردند.

در سال 550 پیش از میلاد مسیح کوروش بزرگ که شهریار یکی از قبایل پارس بود با هم پیمان ساختن اقوام آریایی تبار پارس و ماد بنیان امپراطوری منحصر به فردی را گذاشت که بر اساس الگویی از پذیرش و احترام به فرهنگ ها و آیین های دیگر بنا شد.

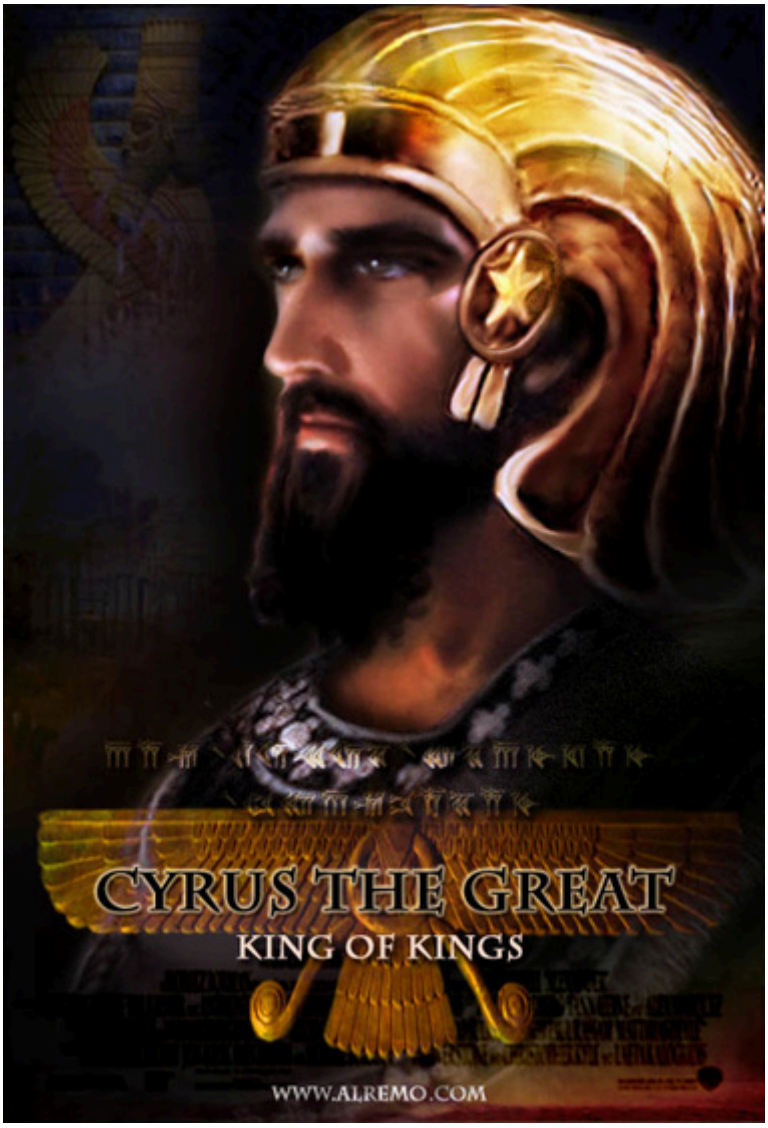

تا جایی که تورات ، کوروش بزرگ را ناجی یهودیان از اسارت بابلیان می داند و گزنفون مورخ یونانی تبار از او به منزله مردی با درایت ، بی ریا و اهل راستی که همگان را مجذوب خویش می ساخت ، نام برده است.

...

در دنیای باستان کوروش بزرگ بدلیل علاقه اش به سرسبزی و خرمی شهرت داشت. کاوش های اخیر در پاسارگاد ، پایتخت حکومت کوروش بزرگ و کشف کانال های آبیاری باغ های وسیع او نشانگر این شهرت است.

باغ های کوروش بزرگ ، پردیس ، یعنی محل شکوفایی زندگی و جایی که آب مایه حیات است نامیده شده است.

از واژه پارسی ((پردیس)) است که واژه ((پارادایس)) به معنی بهشت وارد زبان انگلیسی شده است.پس از کوروش بزرگ ، داریوش بزرگ ، امپراطوری هخامنشی را به اوج قدرت و وسعت خود رسانید.

این امپراطوری از یکسو از هند تا مرزهای یونان و از سویی دیگر از مصر تا جنوب روسیه امروزی گسترش داشت. برای اداره این سرزمین پهناور که 28 ملت گوناگون را در بر می گرفت ، اقدامات بی نظیری انجام شده است. شاهان هخامنشی به جای یک پایتخت دارای 4 پایتخت بودند که در طول سال در آنها اقامت می کردند . پایتخت ها در چهار مرکز اصلی تمدن های باستانی آن روز بنا شده اند. بابل ، شوش ، هگمتانه (اکباتان) و بالاخره پارسه یا تخت جمشید.

تخت جمشید جایی است که نام اصلی آن پارسه بوده است.در دوره هخامنشی نام پارسه رایج بوده که در کتیبه ها

نیز آمده که از هزار سال پیش به نام تخت جمشید مرسوم شده است.

پارسه یا تخت جمشید در سال 518 پیش از میلاد مسیح بنیان نهاده شد. ابتدا در دامنه کوه مهر با چیدن قطعات عظیم سنگ در کنار هم زمین تختی به وسعت 125 هزار متر مربع که به صفه مشهور شده شکل داده شد. سپس کار ساخت کاخ های مجلل و تالار های پرشکوه آن در زمان داریوش بزرگ آغاز شد و طی 50 سال توسط جانشینان او یعنی خشایارشا و اردشیر یکم هخامنشی ادامه یافت و تکمیل گردید.

ولی شاید مهم ترین پرسش برای همگان این باشد که این مجموعه عظیم در دوران هخامنشی چه جایگاهی داشته و اهمیت آن در چه بوده است؟

نشانه های لازم برای پاسخ به این پرسش بر روی دیوار ها و راه پله های تخت جمشید کنده کاری شده است. پارسه مرکز برگزاری مهم ترین جشن ها و آیین های امپراطوری جهانی ایران بوده است. هرساله در آغاز سال یعنی اول فروردین ماه نمایندگان و فرستادگان ساتراپی ها (ایالت های) مختلف امپراطوری که داریوش بنیان گذاشته بود در اینجا گرد هم می آمدند. آنان با خود هدایا و پیشکش های گوناگونی داشتند همچون انواع زیور آلات ارزشمند ، جام های طلایی و حیوانات گوناگون. از یونانی ها و مصریان گرفته تا بابلیان و هندی ها همه حضور داشتند.

هدیه آورنده افریقایی (اهل لیبی) با خود عاج فیل و حیوانی شبیه به زرافه موسوم به اوکاپی را نیز بدنبال می کشد. دو هدیه جذاب و کم نظیر از جنوبی ترین ایالات امپراطوری.

نمایندگان باختر که از بلخ آمده اند با خود جام های بسیار با ارزش طلایی آورده اند.

این طره های بارز مو که در نگاره می بینید که از پشت گوشهای این مردان آویزان است نشان می دهد که آنها اهل لیدی هستند و یکی از این مردان در حال حمل یک بازوبند زیباست.

هدیه آورندگان

بازوبند طلا

گزنفون در کتاب خود آناباسیس ، خبر می دهد که بازوبند از جمله هدایایی است که در دربار ایران بوده است.

در طول اعصار پارچه های رنگارنگ و فرش های زیبا در زندگی روزمره ایرانیان از ارزش بالایی برخوردار بوده است.

(بزرگترین قالی جهان با مساحت تقریبی 5000 متر مربع بافته دست ایرانیان است.)

در حکاکی های تخت جمشید می توانیم شاهد نمایندگان بابل باشیم که همراه با هدایایی دیگر پارچه هایی از جنس پشم را با خود حمل می کنند.

هیئت بابلی ها

هدیه آورندگان

پارچه ای که در نگاره می بینید با نقش مایه های پارسی که در موزه آرمیتاژ در سن پترزبورگ روسیه نگهداری می شود همراه با قالی مشهور پازیریک زیر توده های عظیم برف های سیبری یافت شده است.

قالی پازیریک

نقوش زیر نشان دهنده هدیه آورندگان ایالات ایونی (یونان) است که آمده اند تا پیشکش های خود را تقدیم پادشاه کنند.

به راستی که صحنه باشکوهی بوده است. نمایندگان سراسر امپراطوری می آمدند تا هدایای خود را با احترام تقدیم پادشاه کنند. هرگروه بوسیله یک نجیب زاده پارسی یا مادی هدایت می شدند تا بحضور پادشاه برسند و هدایای خود را تقدیم کنند.

نجیب-زادگان-پارسی-یا-مادی1

سپس جشن نوروز و مراسم سال نو آغاز می شد که آن را با نمادی از درآویختن شیر با گاو نمایش می دادند. چنین بود تخت جمشید.

بنابراین تخت جمشید یک پایتخت سیاسی یا نظامی نبوده ، بلکه کانون برپایی مهم ترین مراسم آیینی و جشن های هخامنشیان به شمار می رفته است. در اینجا نمایندگان 28 ساتراپی یا ایالات تابع امپراطوری از دور ترین نقاط گیتی دور هم جمع می شدند تا در حضور پادشاه بزرگترین اعیاد همچون نوروز را جشن بگیرند. هدیه آورندگان و نمایندگان عالی مقام می بایست با تشریفات خاص آرام آرام از مسیر ویژه ای وارد این مجموعه باشکوه گردند. هرکس که اجازه می یافت تا از پلکان ورودی تخت جمشید وارد آن شود ، کاملا مات و مبهوت می گشت.هدیه آورندگان در حالی که یک دشت خرم را پشت سر می گذاشتند به صفه عظیمی که بیش از 14 متر از سطح زمین ارتفاع داشت وارد می شدند. صفه خارق العاده پر از کاخ های متعدد و زیبا. برای رسیدن به این کاخ ها ابتدا وارد تالار انتظار یا دروازه ملل می شدند

پیکره سنگی دو گاو عظیم در محل ورودی به میهمانان یاداوری می کرد که در آستانه ورود به قلب تمدن عظیم هخامنشی هستند.هر کس که اجازه ورود به این تالار را می یافت در اینجا مردمانی را می دید از نژاد ها ی گوناگون که به زبان های مختلف صحبت می کنند و بر روی سکو هایی که دور تا دور تالار قرار داشت به انتظار اجازه ورود نشسته اند. از اینجا نمایندگان ملل مختلف می بایست وارد تالار بارعام می شدند.

هیئت ها و نمایندگان عالی مقام که از سرتاسر امپراطوری هخامنشی به تخت جمشید آمده بوده اند توسط بزرگان پارسی یا مادی برای شرکت در مراسم بارعام به سوی کاخ آپادانا هدایت می شدند. پس از گذشتن از یک حیاط وسیع سلطنتی ، میهمانان بلند مرتبه باشکوه ترین کاخ تخت جمشید یعنی آپادانا را پیش روی خود می دیدند.

هرکس که از پلکان آپادانا بالا می آمد بسیار تحت تاثیر عظمت و زیبایی آن قرار می گرفت. در این کاخ با ستون هایی که هرکدام 20 متر ارتفاع داشتند روبرو می شد و قلبش تند تر و تند تر می زد.

سپس با عبور از درب های عظیم چوبی که با ورقه های طلا و نقره مزین شده بودند و هر کدام 18 متر ارتفاع داشتند وارد تالار آپادانا می شدند.

میهمانان در درون کاخ شاهد فضایی افسانه ای و با شکوه بودند. فرش هایی رنگارنگ سرتاسر تالار را پوشانده بودند. تزئینات دیوارها به شکوه کاخ افزوده بودند. در بالا سقف عظیمی وجود داشت که به سبکی زیبا رنگ آمیزی و تزئین شده است و بالاخره در انتهای تالار پادشاه بر روی اورنگ شاهی نشسته است در حالی که مراسم بارعام شروع شده است.

فضای زیبا و با شکوه تالار آپادانا آشکارا همگان را به حیرت وا می داشت. ولی شاید جالبتر از همه اینها سرستون های کاخ آپادانا باشد که با دیگر سرستو نهای تخت جمشید تفاوت دارند چرا که این سرستون های عظیم سنگی به شکل دو شیر غران پشت به هم می باشند.

پادشاهان هخامنشی با پذیرش هدایا در تخت جمشید ، وفاداری رعایای خویش را مورد تایید قرار می دادند. از دانوب تا حبشه (لیبی) و از حبشه تا رود سند زیر فرمان یک دولت و زیر یک قانون در آمده و این قانونمندی باعث شده است که فرهنگ های مختلف اجازه رشد پیدا کنند و یک مملکت آباد به مدت دویست سال با نهایت سرافرازی کارو کوشش می کردند و فرهنگ خود را می پروراندند.

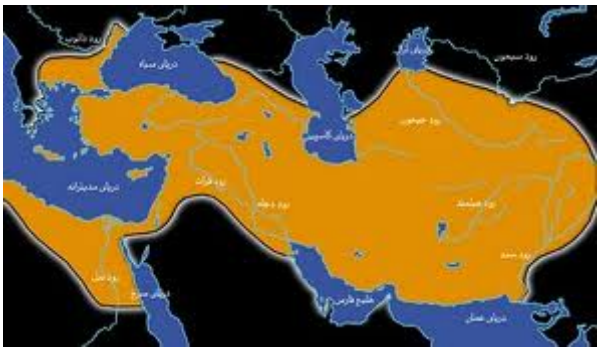

برای اداره این سرزمین پهناور اقدامات بی نظیری انجام شده بودند.

گوید داریوش شاه : و من دستور دادم این ترعه را حفر نمایند تا رود نیل که در مصر جاریست با دریایی که در پارس

است مرتبط گردد.(فرمان حفر کانال سوئز)

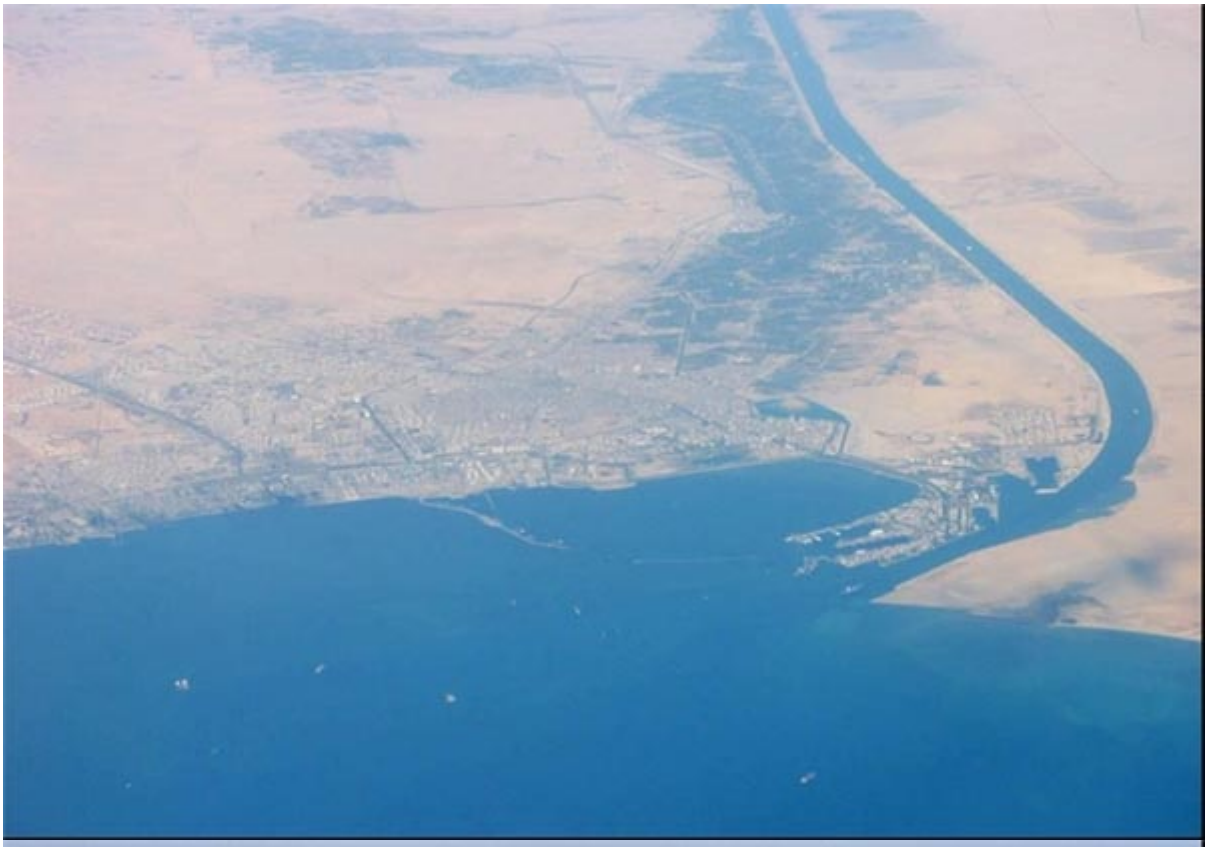

از این مهم تر ایجاد راه شاهی به طول 2600 کیلومتر بود که شوش را به ساردیس در نزدیکی سواحل مدیترانه متصل می ساخت. در طول این بزرگراه ایستگاه

ها و استراحت گاه های خاصی نیز احداث شده بود که امر بازرگانی و همچنین ایجاد ارتباط و رساندن نامه ها را سرعت خارق العاده ای می بخشید. چاپار های تند رو در این ایستگاه ها اسب های خود را عوض می کردند و با اسبانی تازه نفس ، با سرعت و در اسرع وقت پیام ها و نمامه ها را به مقصد می رساندند. این شبکه ارتباطی در واقع نخستین شکل پست سریع السیر در جهان بود. همچنین در زمان داریوش بزرگ بود که برای نخستین بار یک نظام توزین استاندارد به کار گرفته شد و خط میخی پارسی باستان اختراع گردید.همزمان سکه های طلا و نقره نیز ضرب گردید و در سراسر امپراطوری به کار گرفته شد. اما بزرگترین دستاورد هخامنشیان نوع امپراطوری و حکومت ایشان بود چراکه نخستین امپراطوری در جهان بود که بر شالوده همزیستس و احترام به سایر فرهنگ ها و مذاهب بنیان گذاشته شد.

وسعت نظر هخامنشیان در رابطه با تحمل مذاهب و فرهنگ های دیگربسیار جالب توجه است. ایشان با آنکه خود زرتشتی بودند نه تنها به عقاید مردم دیگر احترام می گذاشتند که حتی یاریشان نیز می کردند. ما همه می دانیم که چگونه کوروش بزرگ یهودیان را از اسارت بابلیان آزاد کرد تا به سرزمین خود در فلسطین بازگردند و لی قضیه به همین یک نمونه محدود نمی شود چراکه تاریخ به ما می گوید که بعد ها عزرا و نهامایا بعنوان نمایندگان پادشاه ماموریت یافتند تا بر عملیات بازسازی معبد یهودیان نظارت کنند.بدرود فرزندان ایران

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «پارسه یا تخت جمشید ، غنی ترین شهر زیر آفتاب(این نوشتار را از دست ندهید)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://www.parsiandej.ir/articles/1436/pdf/تخت-جمشید-غنی-ترین-شهر-زیر-آفتاب.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹